

۵ انواع البسه در ماوراءالنهر قرن ۱۹ و ۲۰ براساس یادداشت های صدرالدین عینی

دکتر آزیتا همدانی*

مقدمه

در پایان قرن ۱۹ و ابتدای قرن ۲۰، هر طبقه و گروهی در جامعه‌ی ماوراءالنهر، لباس خاص خود را داشته و غالباً لباس‌های بلند بیشتر رایج بوده است. دارندگان مناصب دولتی، دینی، علمی، برخی پیشه‌وران، کشاورزان و آلفته‌ها (پهلوانان) که همه مرد بوده‌اند، کهنسالان و کلیه‌ی زنان لباس‌های بلند را در دوخت، طرح و رنگ‌های متفاوت می‌پوشیده‌اند؛ حتی خردسالان نیز اکثراً دارای لباس بلند بوده‌اند. لباس‌ها معمولاً ته‌پوشی و روی‌پوشی داشته و لباس رویی دو تکه (پیراهن و شلوار) بوده که «کرته لازمی» خوانده می‌شده است. از آنجا که پنبه بیشترین تولید را در این منطقه داشته و دارد، لذا بیشتر لباس‌ها پنبه‌ای و بخشی نیز ابریشمی بوده که آن نیز از طریق پرورش کرم ابریشم توسط کشاورزان منطقه تولید می‌شده است. از آنجا که زنان به طور کلی حضور کم رنگی در آثار مکتوب تولید شده در این جامعه، از جمله در یادداشت‌های «صدرالدین عینی» دارند، لذا داوری درباره‌ی انواع پوشش آنها کمی مشکل‌تر از مردان است، اگرچه همان حداقل نیز با پوشش یکدست که همان لباس بلند است، نمایان می‌شده‌اند. بیشترین طبقه‌ای که پوشش آنان در یادداشت‌های عینی مورد توجه بوده نظامیان، درباریان، ملایان و طلاب است که در برخی موارد، از جمله در پوشش نظامیان، رنگ لباس تعیین کننده‌ی رتبه‌ی آنان بوده است. در ابتدای این مبحث انواع پوشش را بر حسب موارد استعمال به ترتیب از سرتا پای به چند دسته‌ی سر، تن، کمر، پای و دیگر موارد تقسیم کرده و سپس رنگ و جنس آنها را ذکر و نهایتاً به موضوع تغییر لباس به نشان اعتراض یا انتقاد اشاره می‌کنیم.

انواع پوشش بر حسب موارد استعمال

الف) سرپوش (آنچه بر سر می‌پوشیده‌اند): سرپوش انواعی داشته که به برخی از آنها که بیشتر مختص مردان بوده و به نشانه‌ی مباحثات و تعیین طبقه و سنت یا در فصول مختلف به منظور محافظت می‌پوشیده‌اند اشاره می‌شود:

– **سله:** عمامه‌ای بوده است معمولاً سفید و مختص عالمان و طالبان دانش که بر سر می‌پیچیده و هر دو طرف آن دارای فش (منگوله) بوده و بسته به موقعیت افراد، برخی منگوله را بر روی سرآویزان و یا در پیچ‌های سله قرار می‌داده‌اند. سله، کوچک و بزرگ داشته و معمولاً عالم‌نمایان از نوع بزرگ آن استفاده

می‌کرده‌اند که نشان تفاخر به علم بوده است. از آنجا که برخی ملا نماها صدقه‌خور بوده‌اند، لذا سله گاهی در معنای صدقه‌خوری به کار می‌رفته است.

- **دستار:** عمامه‌ای که نوع آن با توجه به طبقات مختلف مردم فرق می‌کرده است از جمله دستار درباریان که از آن به سفید شلغمی یاد شده است؛ دستار علما که معمولاً زر دوزی بوده و با کلاه زر دوزی می‌پوشیده‌اند؛ دستار ملایان که بسیار بزرگ بوده است، دستار شیخان و...

- **داکه:** پارچه سفید بسیار نازک نخی تور مانند که هم زنان و هم مردان بر سر می‌بسته‌اند.

- **کله پوش:** نوعی کلاه زمستانی که معمولاً بر آن دستارچه مثقالی (یک نوع داکه نازک) می‌بسته‌اند و نوع کندل (زربفت خیلی اعلا) آن مخصوص طبقه‌ی ثروتمندان بوده است.

- **کلاه:** نوع زردوزی آن را علما می‌پوشیده‌اند.

- **تیلپک:** نوعی دیگر کلاه زمستانی مخصوص عوام.

- **عرق چین:** نوع و جنس خاصی از پارچه که مخصوص نزدیکان شاه بوده است.

- **سرانداز:** مخصوص زنان بوده و در حضور نامحرم و یا موقع کار بر سر می‌گذاشته‌اند.

- **فرنجه:** مخصوص پیر زنان بوده است.

ب) تن‌پوش (آنچه برتن پوشیده‌اند): انواع تن‌پوش عبارت بوده است از کرته، جامه، پوستین، مویینه، کمزول، ایزار، دامن و فرنجه.

- **کرته:** پیراهن یک لای بی‌آستر که معمولاً با لازمی (شلوار) به کار می‌رفته و به «کرته لازمی» معروف و استفاده از آن برای مرد و زن یکسان بوده است. از آنجا که این لباس را زنان نیز می‌پوشیده‌اند، لذا به دلیل نام نبردن از شلوار زنانه، آن را تلویحاً لازمی می‌گفته‌اند. کرته لازمی زنانه، بلندتر و تا روی پا بوده است. این نوع پوشش بر حسب جنس آن اسامی مختلفی داشته که عبارت است از:

۱. **کرته قلمی:** در معنی قلمکار که بیشتر طلبه‌ها می‌پوشیده‌اند.

۲. **کرته شاهی:** نوع بخاری آن معروف بوده و کرته‌های شاهی قبت به قبت (لایه لایه) پوشیدن مخصوص ثروتمندان و شاهان بوده است.

۳. **کرته آهاری، کرته صوف:** گرانقیمت بوده است.

۴. **کرته گزوار:** کم بها بوده است.

۵. **کرته چیت:** که اصل آن گرانقیمت بوده است.

- **جامه:** آنچه که بر روی کرته می‌پوشیده‌اند و بر حسب جنس انواع مختلفی داشته که عبارت است از:

۱. جامه بنارس: بلند و مخصوص علما بوده است.
 ۲. جامه کوندل: نوع زربافت آن مخصوص علما بوده است.
 ۳. جامه پخته‌دار: درصد پنبه‌ی استفاده شده در آن برای افراد مختلف فرق می‌کرده است.
 ۴. جامه یکتہ: جامه بی‌آستر.
 ۵. جامه یکتہ‌کرته: یکتہی که به پیش وی یک پرچه نیم گریبان علاوه کنند. اگر تکمہ‌ی آن پرچه گذارنیده شود، چنان می‌نماید که پوشنده‌ی او کرته پوشیده، از روی وی یکتہ پوشیده است، اگر تکمہ‌اش گشادگی باشد، مانند یکتہ عادی می‌نماید که آدم در تن برهنه پوشیده باشد و سرسینه‌اش نموده‌ایستند.
 ۶. جامه ریسمانی: مخصوص فقرا بوده است.
 ۷. جامه ابرہ آستر.
- پوستین: جامه‌ای با پاچه‌ی سیاه اعلا و مخصوص ثروتمندان که روی لباس می‌پوشیده‌اند.
- مویینه: نوعی تن‌پوش ثروتمندان که زیر پوستین می‌پوشیده‌اند.
- کمزول: لباسی تا پایین زانو و بی‌آستین که بین آستر و رویه‌ی آن پنبه کاری شده و از کمر اندکی باریک و مخصوص طلاب بوده است.
- ایزار: نوع رایج آن از جنس صوف بوده که بیشتر علما می‌پوشیده‌اند.
- جامه الاچه: الاچه نوعی پارچه مخصوص است که از آن لباس سر همی می‌دوزند و به آن جورہ می‌گویند.
- فرنجی: پوشینه و رو انداز زنان در بیرون از خانه که روی جامه می‌پوشیده‌اند. فرنجی زنان جوان «دامان» نام داشته است که دامن کرته اطلس دراز نیز زیر آن می‌پوشیده‌اند. انواع فرنجی عبارت بوده است از: ۱. ریسمانی، ۲. شاهی پرتاوسی، ۳. بخمل (مخمل) و ۴. شاهی
- (ج) کمر پوش (آنچه بر کمر می‌بسته‌اند): بیشتر کمربندها پارچه‌ی بلند و باریکی بوده است که به عنوان میان بند یا کمر پوش بر کمر می‌بسته‌اند و معانی و استفاده‌های مختلفی داشته است. میان بند فقرا با ثروتمندان، علما با درباریان و... و نوع بستن آن باهم فرق می‌کرده است. انواع کمر پوش عبارت بوده است از:
- فوطه: معمولاً سفید بوده است و چندین بار آن را به دور کمر می‌پیچانده‌اند.

- کمر چه: آن نیز معمولاً سفید و دارای دو توف (منگوله) سفید ابریشمی برای ملایان و طلا پولک برای درباریان بوده است.

- میان بند ریسمانی: از جنس ریسمان بوده است.

(د) **پاپوش (آنچه بر پای می پوشیده اند):** جوراب، مسحی و کفش سه پاپوش مهم با جنس و طرح‌های مختلف بوده است. در یادداشت‌ها درباره‌ی جوراب سخنی نمی‌رود. دو مورد دیگر را ذیلاً توضیح می‌دهیم:

- **مسحی:** عبارت از نوعی پا پوش چرمی جوراب مانند ساق‌دار بوده که در فصل سرما به پا می‌کرده و پس از آن کفش می‌پوشیده و همه قدرت خرید آن را نداشته‌اند. مسحی اسم و جنس‌های متفاوتی داشته که برخی از انواع آن عبارت بوده است از:

۱. **مسحی با پیتابه پشمین:** پیتابه، پارچه یا نوار گونه‌ای که برای حفاظت یا استوار داشتن مسحی استفاده می‌کرده و نوع قرزانی آن معروف بوده است.

۲. **مسحی قیراقی:** یک نوع آن پاشنه گلدوزی شده داشته است.

۳. **مسحی زر دوزی:** بیشتر علما استفاده می‌کرده‌اند.

۴. **مسحی امیرکانی**

- **کفش:** کفش نیز در طرح‌ها و مدل‌های مختلف درست می‌شده و معمولاً بخارا و سمرقند دارای کفش‌های معروف و کفش‌خانه‌های بزرگی بوده که کارگران زیادی در آن مشغول به کار بوده‌اند. انواع کفش‌هایی که در یادداشت‌های عینی ذکر شده عبارت است از:

۱. **کفش بلغاری:** درباریان می‌پوشیده‌اند.

۲. **کفش قرزانی:** معروف بوده است.

۳. **کفش زردوزی:** معمولاً علما با مسحی زردوزی استفاده می‌کرده‌اند.

۴. **کفش پاشنه بلند:** زنان و در برخی موارد آفته‌ها می‌پوشیده‌اند.

۵. **چارق:** نوعی کفش از پوست حیوان.

۶. **کلوش:** کفش بدون صدا.

(ه) **دیگر موارد:**

- **چشم بند:** زنان به جهت پوشیدن چشمان خود در بیرون از خانه استفاده می‌کرده‌اند.

- **رویمالچه:** دستمال کوچکی که زنان به نامزدهای خود می‌داده‌اند.

- دست رومال: تکه پارچه‌ای که به عنوان دستمال در جیب می‌گذاشته‌اند.

انواع پوشش بر حسب رنگ

رنگ لباس، تفکیک‌کننده‌ی برخی طبقات جامعه از همدیگر بوده است. در انتخاب رنگ، عرف جامعه و انتخاب افراد یا دخالت حکومت تاثیر داشته است. شیوخ، آفته‌ها (پهلوانان) و بای‌ها (ثروتمندان) جزء دسته اول و نظامیان، زندانیان و هندوهای ساکن در بخارای آن روز جزو دسته‌ی دوم بوده‌اند. رنگ لباس شیوخ «زرد»، آفته‌ها و عرابه‌کش‌ها «کبود»، بای‌ها و بای‌بچه‌ها «سفید»، هندوها «سیاه»، زندانیان «سرخ» و بر سرتیپک «سیاه» و رنگ لباس نظامیان بسته به مرتبه‌ی آنان فرق می‌کرده است.

انواع پوشش بر حسب جنس

از آنجا که در بیشتر مناطق ماوراءالنهر، پنبه‌کاری رایج است و غالب مردم توانایی خرید پارچه‌های پنبه‌ای را داشته‌اند، لذا بیشترین مواد مصرفی در لباس‌ها پنبه بوده است و البته پارچه‌های پنبه‌ای نیز انواع داشته و پارچه‌ی «سیر پخته» که پنبه‌ی بیشتری در آن به کار رفته، مرغوب‌تر بوده و افراد خاصی توانایی خرید لباس سیر پخته را داشته‌اند. جنس و عنوان دیگر پارچه‌های مصرفی عبارت بوده است از: زربفت، شاهمی، اطلس، ادرس (پارچه‌ای با تار ابریشم و پود نخ کلفت بافته شده با ماده آهار برای محکمی و ضخیمی)، ستین یا ساتن، ابریشم، الاچه (پارچه مخصوص راه راه نخ)، مخمل، پشم، موئین، گزوار، (نوعی پارچه سخت)، ریسمانی و...

تغییر لباس به نشانه اعتراض

از نشانه‌های انتقاد یا اعتراض افراد به حکومت، جامعه، طبقه یا مشاغلی خاص تغییر لباس آنها از طبقه‌ای به طبقه دیگر و ظاهر شدن در میان جامعه با لباس مبدل است. فرد ملبس به لباس مبدل توجه مردم را جلب می‌کرده و با کنجکاوی علت تبدیل را از او یا اطرافیانش جویا می‌شده‌اند. تغییر لباس به این معنی بیشتر در میان ملایان و منتقدان رایج بوده که ملبس به لباس طبقه‌ای پایین‌تر از طبقه‌ی خود شده‌اند، به این معنی که آن فرد نسبت به موقعیت طبقه‌ی خود معترض است و طبقه‌ی پایین را به طبقه‌ی خود ترجیح می‌دهد و در ضمن به معنی حمایت او از طبقه‌ای که بدان پیوسته است نیز می‌باشد.

نتیجه

پوشش و طرز استفاده از آن در جامعه ماوراءالنهر یک صد سال پیش برای بیشتر اقشار جامعه از امیر گرفته تا متکدیان با شرایط خاصی همراه است. در این جامعه هر طبقه ای مجاز نیست از نوع پوشش طبقه دیگر استفاده کند، مگر اینکه استحقاق آن را پیدا کند و یا به نشانه اعتراض و یا تمسخر در لباس طبقه دیگری درآید. رنگ و جنس لباس نیز به نوعی نماینده نوع طبقه اجتماعی در جامعه است. مردم در این جامعه برای هر نوعی از لباس از سر گرفته تا به پا نام های خاصی قرار داده اند که گاهی این اسامی نیز نشان دهنده نوع طبقه اجتماعی است. بیشتر لباسها بلند و دو تکه شامل روپوش و شلوار و مشترک برای زن و مرد بوده و در بیشتر مواقع کلاه، دستار و شال برای مردان و سرانداز برای زنان رایج بوده است. اکنون در موزه های تاجیکستان و ازبکستان انواع این لباس ها به نمایش گذاشته شده که نشان دهنده اهمیت این موضوع و تنوع و تعدد آن در جامعه سنتی ماوراءالنهر است.

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور تهران

منابع:

۱. حسن انوشه [به سرپرستی]، دانشنامه ادب فارسی در آسیای مرکزی، چ اول، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. ریمون بودون، روش های جامعه شناسی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، چ دوم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۳. ر.پ.آد. دزی، فرهنگ البسه مسلمانان، ترجمه حسینعلی هروی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹.
۴. علی رواقی، زبان فارسی فرارودی، با همکاری شکبیا صیاد، چ اول، تهران، هرمس، ۱۳۸۳.
۵. محمود روح الامینی، زمینه فرهنگ شناسی، چ سوم، تهران، عطار، ۱۳۷۲.
۶. صدر الدین عینی، یادداشت ها، به کوشش سعیدی سیرجانی، چ اول، تهران، آگاه، ۱۳۶۲.



مخاطبان محترم دوماهنامه